



ادبیات فارسی پایه چهارم



درسنامه‌ی درس ۱۰ (باغچه‌ی اطفال)

کلمات مترادف: به کلماتی گفته می‌شود که معنی آنها مثل هم است و کمک می‌کنند تا سخن، زیبایی و تنوع خاصی پیدا کند.

کنجکاو : جست و جو کننده فعال : پرجنب و جوش تصویر : شکل اندیشه : فکر
 دور و دراز : طولانی فرو رفتن : غرق شدن افکار : جمع مکسر فکر زیستن : زندگی کردن
 صورت : شکل ، قیافه روشن نسازم : روشن نکنم قطعه : تکه منقل : وسیله ای برای روشن
 کردن آتش کنج : گوشه دایر : تشکیل ، ایجاد گرداگرد : دورتادور مکتب : نام مدرسه در
 زمان گذشته حرفه : شغل ، کار ، پیشه پیاموزم : یاد بگیرم طاق : سقف قفقاز : منطقه ای
 بین دریای خزر و دریای سیاه رونق داشتن : خوب بودن کسب و کار طبع : ذوق و استعداد
 بکوشم : تلاش کنم بهره : سود ، فایده برگزیدن : انتخاب کردن میهن : وطن
 اقامت گزیدن : در جایی ماندن فروزان : تابان ، درخشان سرگردان : آواره
 قریحه : استعداد اطفال : بچه ها (جمع مکسر طفل) نپذیرفتن : قبول نکردن عاجز : ناتوان
 ابداع : نوآوری مقصود : هدف اولیا : پدر و مادر (جمع مکسر ولی) لبریز : پُر
 شرح حال : زندگی نامه اراده : خواست دل سوز : مهربان خشنود : خوشحال



کلمات متضاد: کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم، مخالف هم هستند.

راضی ≠ ناراضی روشن ≠ خاموش طولانی ≠ کوتاه بهره ≠ ضرر
 جدید ≠ قدیمی پیش ≠ پس عاجز ≠ توانا نابینا ≠ بینا
 ناشنوا ≠ شنوا



کلمات هم خانواده :

به کلماتی گفته می شود که **۳ شرط** زیر را داشته باشند :

شرط ۱ : از **یک ریشه** گرفته شده باشند.
(مثل اعضای یک خانواده که در یک خانه زندگی می کنند .)

شرط ۲ : حروف اصلی در کلمات هم خانواده باید به ترتیب **و پشت سر هم** بیایند.

شرط ۳ : از نظر **معنی** به هم **نزدیک** باشند.



((دانش زبانی))

هنگامی که افراد صحبت می کنند در حقیقت مطلبی را به شنونده انتقال می دهند .

گوینده برای انتقال گفته هایش از **جمله** استفاده می کند .

جز اصلی جمله **فعل** است و جمله بدون فعل معنی ندارد و کامل نیست .

علی آمد . مردان جنگیدند . دلک ها خندیدند . (جمله های دو قسمتی)

